

و این تکرار و تکرار است، تکرار!

آرمیتای جوان ما را همچون ژینا ازپای درآوردندو به قتل رساندند!

امیر جواهری لنگرودی



در قاموس نظام اسلامی، صرفاً برای زندگی کردن معمولی، انگار تکرار به کُما رفتن و قتل عمد حکومتی، به دست گشت ارشاد در شهر یورگذشته و اینبار در مهر ماه امسال، توسط «حجاب بانان مترو» به چرخه عادی و تکراری و ذاتی این نظام دین سالار و واپس گرای ضد زن و جانبدار حجاب بوده است. حتی می توان گفت: این به کُما رفتن، استعاره از سرنوشتی است که حکومت برای هم‌نسلان "ژینا" یعنی "آرمیتا" هم رقم می‌زند؛ استعاره‌ای از آنچه بر سرشان می‌آورد تا مبارزه را فراموش کنند و به خوابی عمیق و اجباری فرو روند. ضربه‌ی وارد شده بر سر "ژینا" و سپس "آرمیتا"، ادامه‌ی دهه‌ها سرکوب نظامند حکومت "حجاب بان"، یا روسری یا توسری "بر سر دختران، خواهران و زنان جامعه ما است که همه‌ی ما در روزمرگی هایمان به نوعی تلخ تجربه کرده‌ایم. آنگاه که دخترمان "آرمیتا" را همچون "ژینا" می‌کشند و تیر می‌زنند؛ «آرمیتا جان باخت» لگد به هستی مردمی می‌زنند که دخترشان را به قتل می‌رسانند تا آنرا با جان باختن برابر شناسند. ای تف او بر شما و بر بُود ننگین تان باد!

جنایت صورت گرفته چند روز پیش به این شکل بازخورد یافت: «خبرگزاری "تسنیم" وابسته به سپاه پاسداران روزشنبه ۲۹ مهر ۱۴۰۲ خبر مرگ مغزی "آرمیتا گراوند" را منتشر نمود. این خبرگزاری نوشت: «پیگیری‌ها برای اطلاع از آخرین وضعیت سلامت آرمیتا حاکی است که سلامتی او روند امیدوارکننده‌ای ندارد و مرگ مغزی آرمیتا قطعی می‌باشد.» چند ساعت بعد، خبر از صفحه خبری هم تارنمای انصاف نیوز و هم دیگر جاها، زدوده شد.

آرمیتا گراوند دانش آموز، هنرمند نقاش خوش فکر و ورزشکار بشاش ۱۶ و ۱۷ ساله، اهل کرمانشاه و ساکن تهران، روزیکشنبه ۹ مهر در متروی ایستگاه «شهدا» تهران، توسط قوای سرکوب "حجاب بانان مترو" که جایگزین "گشت ارشاد خیابانی" شده اند، در این روز، او همراه دو نفر دیگر از دوستانش همانند صدها زن دیگر، در مسیر رفتن به مدرسه، در ایستگاه، بدون مقنعه وارد مترو شده اما مورد هجوم "حجاب بانان" مزدور شهرداری تهران قرار گرفت، دختر را هل داده و سرش به میله آهنی برخورد می‌نماید و بیهوش می‌شود، دوستانش پیکرنیمه جان این جوان نونهال را کشان کشان از واگن خارج کردند اما مأموران امنیتی رژیم اسلامی سررسیده و با تهدید و ارباب دوستان او و دیگر شاهدان، به آنان گفتند: «حق هیچ‌گونه خبررسانی و اظهار نظر در مورد چگونگی برخورد مأموران حجاب بان یا همان "گشت ارشاد" با آرمیتا را ندارند.» این جانیان، پیکرنیمه جان او را ربوده و تحت شرایط امنیتی شدیدی به بیمارستان نظامی "فجر" بردند. تمام این مدت امر اطلاع رسانی را از مادر و پدرش گرفتند و حتی خانم مریم لطفی خبرنگار روزنامه شرق که برای تهیه گزارش به بیمارستان فجر نیروی هوایی رفته تا وضعیت دختری که در مترو از هوش رفته بود را گزارش نماید، بازداشت نمودند. به این هم بسنده نکردند شامگاه پنجشنبه ۱۳ مهرماه، شهین احمدی مادر آرمیتا متعاقب ۲۴ ساعت بازداشت با اخذ تعهد نسبت به عدم هرگونه اطلاع رسانی آزاد گردید و به بیمارستان فجر تهران برگردانده شد.

سرانجام روزشنبه ششم (۶) آبان ۱۴۰۲ برابر بیست و هشتم (۲۸) اکتبر ۲۰۲۳، اعلام کردند که آرمیتا گراوند، دختر نوجوانی که پس از بیهوشی در متروی تهران به بیمارستان منتقل شد و به گما رفته، بعد از ۲۸ روز پزشکان از درمانش قطع امید کردند. در واقع آرمیتا کرمانشاهی همچون ژینای سقزی به قتل رسید!

باری جان شیرین دختر دیگری بامشخصه "آرمیتای" کرمانشاهی قربانی خشونت دولتی رژیم اسلامی شد، اما این موج، سرباز ایستادن ندارد. چرا که حاکمان با مرگ توامان ژینا و آرمیتا نشان دادند از آن روسری که با زور بر سر دختران مان کردند و بر پیشانی شان پونز زدند، داغ رژیم خونریز را بر دل ها حک نموده اند. پس باید همچنان از دختران شجاع و با پوشش اختیاری انتقام بگیرند!

باید گفت: در تمام مدت ۲۸ روز، یعنی از روزی که "آرمیتا" را به بیمارستان تحت کنترل فجر بردند تا ساعاتی که اوبه سردخانه رساندند، مأموران امنیتی و مزدوران لباس شخصی، نه تنها با کنترل شدید و ایجاد فضای امنیتی بر گل بیمارستان هرگونه رفت و آمد خبرنگاران و مردم را نیز زیر نظر گرفتند، بلکه خیابانهای اطراف بیمارستان را نیز در قرق خود در آورده بودند تا کسی نتواند خبری از آرمیتا کسب کند. مادر و پدر آرمیتا را تحت کنترل داشتند، خبرنگاری که به بیمارستان رفته بود را نیز بازداشت کردند. مانع

انتشار گزارش تخصصی تیم پزشکی از وضعیت او شدند. در این فاصله گاه گاهی با اشاعه اخبار دروغ، مبهم و مشکوک، روند تدریجی اعلام قطعی قتل او را مسکوت کردند. در این فاصله حتی به مادر و پدر و بستگان او نیز اجازه دیدار نمی دادند، بلکه با تهدید و اعمال فشارهای پلیسی اصرار داشتند تا هر دوی آنها، تنها آن روایت دروغ آشکار نیروهای امنیتی، مبنی بر اینکه "آرمیتا" بر اثر افت فشار خون به زمین افتاده و سرش به لبه قطار خورده و بیهوش شده است را، پی در پی تکرار نمایند. به عبارتی همه امنیتی ها بیمارستان، پوشش خبری وضعیت "آرمیتا" تا به روز شنبه ششم (۶) آبان ۱۴۰۲ در انحصار خود داشتند.

باید اذعان داشت: این جنایت وحشیانه و قتل عمد حکومتی بر ژرفای نفرت و انزجار توده های مردم علیه حاکمان اسلامی خواهد افزود. قتل حکومتی "آرمیتا" نه تحت تأثیر فضای تبلیغات جنگی رژیم آپارتاید اسرائیل و حامیان جهانی آن و مشاطه گری و صحنه چرخانی سازمان شبه نظامی دین سالار حماس در غزه و جانبداری سران نظام از خون و خونریزی حماس، جهاد اسلامی و حزب الله کم نخواهد شد و از جانب مردم خاصه زنان، دختران جامعه ما، بی پاسخ نخواهد ماند، امید که پاسخ در خور گیرد.

نظام اسلامی طی روزهای گذشته با پخش گزارش تمام کردن "آرمیتا گراوند" در زیر دستگاههای پزشکی، از سوی برخی رسانه های داخل ایران، سرپاسدار احمد وحیدی، وزیر کشور رژیم با تجاؤل در برابر حقایق قتل او اعلام کرد که: «این مسئله یک مسئله کاملا شفاف و روشن است که یک حادثه اتفاقی بوده و ممکن است هر روز در هر جای کشور اتفاق بیافتد. دشمنان کشور نمی خواهند فضای عمومی کشور آرام باشد. آنان تلاش کردند کشور را به آشوب بکشانند.»

با اینهمه خبر از دهانی به دهانی پیچید و نهادهای امنیتی ایران به خانواده ی "آرمیتا گراوند" اعلام کرده اند، اجازه انتقال پیکر وی به کرمانشاه را ندارند بلکه پیکر او را در بهشت زهرا ی تهران در سایه اسلام ناب محمدی و نیروهای آتش به اختیار خویش، به خاک خواهند سپرد.

خبرگزاری های دولتی نظام ننگین و آدمکش اسلامی با خبر: «جان باخت»، «فوت کرد»، «درگذشت»، «تمام کرد» قتل عمد جنایت آمیز "آرمیتا" ی جوان دُخت کرمانشاهی را عناوین خبر مشترک خود ساختند و شانه بالا انداختند تا عمق جنایت حادث شده را، لای زروق خبری بیوشانند.

جریان قتل آرمیتا بار دیگر نشان داد که رژیم درمانده "جمهوری" اسلامی ایران حتی با گذشت بیش از یک سال از جنبش انقلابی و سراسری "ژینا" که در پیشاپیش آن زنان آزاده و مصمم در پیکارند. این قانون های پوسیده و ارتجاعی اسلامی جلودار استمرار

مبارزه شجاعانه دختران آزاد و آزاد اندیش ما خواهد بود زیرا با دور انداختن حجاب و آتش زدن آن پایه‌های حاکمیت دینی را به لرزه درآورده ، و گشت ارشاد را به پستو رانده اند. رژیم اسلامی هنوز نفهمیده است که نمی‌تواند با قتل و دستگیری، اذیت و آزار، شکنجه و زندان "اجبارحجاب" یا در لباس تازه "عفاف" و "حجاب" آیین نماد آپارتاید جنسیتی اسلامی را به زنان آزاده و مبارزما تحمیل کنند. همچنان که با قتل عمد "ژینا" که نام او رمز شد و جنبش عظیم انقلابی زن-زندگی-آزادی مانند بغضی ترکیب. مقاومت‌های هر روزه‌ی درون جامعه ما رنگ تازه‌ای به خود گرفت و شکل منسجم‌تری پیدا کرد تا محکم‌تر جلوی این ستم بایستد و اعلام دارد که جامعه ما به قبل از شهریور ۱۴۰۱ باز نخواهد گشت. آنچنان که "آرمیتا گراوند" این نوجوان فکور و پرشور در یکی از استوری‌های اینستاگرام قبل از قتلش توسط جنایتکاران حکومت اسلامی نوشته بود: "حتی تاریک‌ترین شب نیز پایان خواهد یافت و خورشید خواهد درخشید...".

قتل این دخترشجاع ما با همه رنجی که در خاطرمان نشانده ، کلیدواژه شکل و شیوه تازه ای از مبارزه را پیش روی ما گشود. ما را بر آن می‌دارد که هر روز یاد آوردن کُمای دخترکان جامعه ایران را به خاطر بسپاریم! عمرننگین و پراز جرم و جنایت رژیم به پایان نخواهد رسید، مگرآنکه متشکل شویم ، سازمان یابیم و در پیوند با هم مبارزه را در درون جامعه با اتکاء به قدرت خویش برای رهایی از شرححکومت اسلامی و فقر و بی حقوقی و تباهی کل جامعه، به پیش بریم. این همان کلید واژه رازسر به مَهری ایست که در ابتدای این بخش از سخن بدان اشاره داشتیم.

بی‌تردید سکوت جایز نیست و این بار باید قوی‌تر از سال گذشته بتوانیم نظام را با اتکای به تمامیت قدرت توده‌ها به مرز واژگونگی بکشانیم و این تنها با شعله‌ور شدن آتش جنبش انقلابی «زن، زندگی، آزادی» و استمرار سازمانیافته مبارزات مردمان مان با توجه به قدرت توده‌ها از پائین جامعه، میسر است و این امر با اعمال مداخله همه نیروها و جنبش‌های اجتماعی آزادیخواه و خواهان دادگری اجتماعی (زنان - نویسندگان - مترجمان - وکلا - دانشجویان - بازنشستگان و اقلیت‌های ملی تحت ستم و دینی و فعالان محیط زیست و دیگر باشان جنسیتی و از همه مهم تر تشکل یابی نیروهای کارگران و زحمتکشان)، جامعه ایران شکل مطلوب خود را باز خواهد یافت و لاغیر. به پیش!

یکشنبه ۷ آبان ۱۴۰۲ برابر با ۲۹ اکتبر ۲۰۲۳

andishe.gbg@hotmail.com